

خبرنامه هفتگی

مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و سوم - ۱۱ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

۴۳



بنام خداوند جان و خرد



خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و سوم - ۱۱ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۳

مرکز توانمندی سازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰



فهرست مطالب

- درآمد: تعارض منافع در برنامه‌های نامزدهای انتخاباتی ۲
- مدیریت تعارض منافع در نظام مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز ۶
- اتهام بی‌پایه تعارض منافع به انجمن‌های علمی پزشکی ۶
- درخواست برای تحقیق درباره تضاد منافع احتمالی مربوط به جان کری ۷
- عبور از هفت خوان منافع متعارض برای گرفتن یک مجوز ۷
- صدور احکام تبصره ای همراه با تضاد منافع توسط عزیزی خادم ۸
- چالش تعارض منافع در مدیریت شهری تهران ۸
- واکسن گیت، دارو گیت، تجهیزات گیت: تعارض منافع و امضاهای طلایی ۹
- اصلاح نظام بانکی نیازمند پتانسیل علمی و از بین بردن تعارض منافع ۹
- اشتغال همزمان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در حوزه غیردولتی ۱۰
- تعارض منافع در انتصاب سرپرست کمیته داوران و فوتسال ۱۱
- پاسخ به برخی سخنان آقای دکتر حناچی، شهردار میلیمتری شهر تهران ۱۱
- انتقاد از انحراف اعتبارات بنیاد علوی، تحت سایه تعارض منافع ۱۲
- عدول از بخشنامه تعارض منافع وزیر نیرو در توانیر هرمزگان ۱۲
- تحلیل فضای مجازی: وضعیت مبهم لایحه تعارض منافع ۱۳

درآمد: تعارض منافع در برنامه‌های نامزدهای انتخاباتی

آیا تعارض منافع باید بخشی از برنامه انتخاباتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باشد؟

سمانه سهرابی

تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال جاری تنها ۴۰ روز دیگر باقی مانده و احتمالاً ظرف این چند روز شاهد سیل برنامه‌ها و وعده‌های نامزدهای انتخاباتی هستیم. طبیعی است که در این برنامه‌ها، مهم‌ترین مسائل نظام حکمرانی کشور دیده شده و برای آن‌ها تمهید و چاره‌ای اندیشیده شود.

طی دهه اخیر اجماع نظر نسبی میان جناح‌های مختلف سیاسی و گرایش‌های مختلف کارشناسی در مورد مضرات و عوارضی که تعارض منافع برای کشور و مردم به بار آورده شکل گرفته است و تقریباً هیچ گروه و جریانی از وجود تعارض منافع، آشکارا دفاع نمی‌کند. به عبارت دیگر تقریباً اجماعی همگانی شکل گرفته که تاکید دارد تعارض منافع سرمنشاء فساد، ناکارآمدی، فقر، نابرابری و زوال سرمایه اجتماعی برای حاکمیت است.

زمانی در مورد جایگاه فساد در نظام اداری نوعی تشنگت آرا وجود داشت و از سوی برخی مکاتب گفته می‌شد حدی از فساد به مانند روغن چرخ‌دنده‌های ماشین توسعه عمل می‌کند و در کشوری که در حال توسعه است، چه بسا فساد امری گریزناپذیر و ضروری برای غلبه بر ناکارآمدی‌ها و انسدادهای نظام معیوب اداری باشد.^۱

در مورد تعارض منافع هم می‌توان تحلیل مشابهی ارائه کرد: تعارض منافع در یک سیستم اقتصاد سیاسی مبتنی بر مدل حامی - پیرو، سازوکار و تمهیدی اندیشیده شده برای توزیع رانت و امتیاز میان طیفی از طرفداران نظام سیاسی است. در واقع، هیئت حاکم با تسهیل سازوکارهای تعارض منافع، می‌کوشد پاره‌هایی از نظام حکمرانی و جامعه را از امتیازهایی برخوردار کرده و در ازای آن، وفاداری و اطاعت سیاسی برای تداوم و بقای سیستم بخرد.

این رویکرد هر چند در پیدایش و شکل‌گیری مسئله تعارض منافع در ایران (به ویژه از ابتدای دهه ۱۳۷۰) توضیح‌دهنده باشد، اما به عنوان علت مبقیه و تداوم‌دهنده مسئله تعارض منافع قابل استناد نیست. چه آنکه هیئت حاکم همچنان که در مورد فساد به تدریج پی برد، نمی‌تواند از عوارض به شدت منفی‌تر و پیامدهای مخرب‌تر پدیده‌های فساد و تعارض

۱. این رویکرد به «مکتب کارآمدی فساد اداری» موسوم شده که با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد اداری را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌داند و معتقد است که فساد، نقش روغن را برای چرخ‌های خشک نظام بوروکراسی ایفا می‌کند، و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌نماید. بنابراین، طرف‌داران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب و کار می‌دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می‌باشد. به هر روی، فساد از نظر اثرگذاری، خنثی نیست. ادعاهای زیادی هست مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده‌ای کاملاً بد و منفی نیست و آثار مثبت نیز دارد.» (حنیفه حیدری، مجید محمدی، فریبا نجفی، ۱۳۹۴، «عوامل موثر بر فساد اداری با تاکید بر ایران»، مقاله ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی، علوم اجتماعی، تهران، ۲ آبان ۱۳۹۴ به نقل از www.sid.ir)

منافع چشمپوشی کند. به دیگر بیان، مجموع مضرات و خرابی‌هایی که فساد و تعارض منافع برای حاکمیتی با مشخصه اقتصاد سیاسی فعلی به بار می‌آورد، از مجموع فواید و مزایای احتمالی آن، در گذر زمان پیشی گرفته و هر عقل سلیمی را در هیئت حاکمه به این نتیجه می‌رساند که تداوم این وضعیت ممکن نیست و باید در مقابل فساد و تعارض منافع ایستاد و آن را درون سیستم تعدیل کرد.

در اینجا دیگر، مسئله، عدم به رسمیت شناختن فساد یا تعارض منافع به عنوان یک مسئله و بحران حکمرانی نیست، بلکه مسئله مواجه شدن با گروه‌های ذینفعی است که در گذر زمان از مزایای فساد و تعارض منافع بهره‌مند شده و امروز حاضر به دست کشیدن از این مزایا نیستند. یک رویکرد برای غلبه بر این مقاومت نیروهای خواهان تداوم تعارض منافع، استفاده از اراده‌گرایی قضایی - امنیتی و برخوردهای سخت و ضربتی است. نظیر اینکه برای مشمولان تعارض منافع در نظام حکمرانی، جرایم و کیفرهای سخت و سنگین نظیر زندان، انفصال از خدمت، جریمه مالی و ... در نظر گرفته شده و به این وسیله «اژدهای هفت‌سر» فساد و تعارض منافع کنترل شود.

اما برای صاحب‌نظر آگاهی که طی دهه اخیر فرایند کیفی کردن و تشکیل محاکم قضایی و دادگاه‌های ویژه مفاسد اقتصادی را دیده باشد، کاملاً عیان است که این راهکارها در یک اقتصاد سیاسی معیوب و مبتنی بر توزیع رانت، نمی‌تواند پاسخگو باشد. به تعبیری که یکی از نمایندگان اسبق مجلس شورای اسلامی و رئیس هیئت مدیره انجمن دیده‌بان شفافیت و عدالت به کار برده، سیستماتیک شدن فساد، اجازه نمی‌دهد که راهکارهای قضایی و سخت برای غلبه بر فساد موثر افتد یا لاقابل به تنهایی نتیجه‌ای در پی داشته باشد.

بدین ترتیب چاره چیست؟ از نظر راقم این سطور، «به رسمیت شناختن عمومی»، گام اول برخورد با مسئله تعارض منافع است. این به رسمیت شناختن بحرانی بودن مسئله تعارض منافع، صرفاً نباید در محافل نخبگانی درون سیستم رخ دهد، بلکه باید به جریانی اجتماعی تبدیل یافته و عموم مردم نسبت به عوارضی که تعارض منافع در از بین بردن منافع ملی و خیر عمومی برای آن‌ها دارد آگاهی یافته و مطالبه‌گری برای مقابله با تعارض منافع در بخش‌های مختلف (مانند نظام سلامت، آموزش و پرورش، مسکن و شهرسازی، زیرساخت‌هایی نظیر آب و برق و ...) به جریانی عمومی بدل شود.

اما مسئله بعدی این است که صرف تبدیل شدن این موضوع به یک جریان عمومی کافی نیست. در شرایطی که جامعه دچار انفراد، اتمیزه شدن و درگیر حس بی‌قدرتی باشد، صرف آگاهی، گرهی از مشکلات جامعه حل نکرده و بلکه باعث تشدید سرخوردگی عمومی و نارضایتی و زوال روزافزون مشروعیت سیستم می‌شود. آگاهی عمومی از مضرات و پیامدهای پدیده‌هایی نظیر فقر، تعارض منافع، نابرابری و ... زمانی می‌تواند گام اول و موثر قلمداد شود که جامعه واجد سازماندهی و تشکل‌یابی لازم برای ایجاد توازن با گروه‌های ذینفع باشد.

امروزه عموم افراد جامعه درکی از فساد، کم‌کاری، منفعت‌طلبی شخصی و کارشکنی‌های رایج نظام اداری و بخش‌هایی از کارکنان این نظام برای اجرای هر برنامه اصلاحی و تحول اداری دارند. مراجعه مردم به ادارات دولتی که دمار از روزگار

آن‌ها درآورده و آن‌ها را به تویی برای پاسکاری بین ادارات مختلف و نهایتاً استیصال می‌کشاند، تجربه‌ای زیسته در زندگی بسیاری از ایرانیان است. می‌توان به جرات گفت که تقریباً هیچ ایرانی بزرگسالی نیست که یک یا چند نوبت از این بازی‌های اداری آسیب ندیده باشد. اما به رغم این تجربه زیسته و آگاهی بلافصل از خرابی سیستم اداری، تغییر و تحولی در کشور رخ نمی‌دهد. چرا که جامعه احساس بی‌قدرتی می‌کند. اگر شهروندان به عنوان گیرندگان نهایی خدمات اداری، دارای این قدرت و سازماندهی بودند که هر جا با ناکارآمدی و کارشکنی سیستم اداری مواجه می‌شدند، با اتکای به نیروی جمعی یک تشکل مدافع حقوق صنفی خود به مقابله با آن ناکارآمدی می‌پرداختند، مسئله متفاوت بود و این آگاهی عمومی و تجربه زیسته می‌توانست در حل مسئله موثر افتد.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که حل مسئله ناکارآمدی اداری و تعارض منافع، بدون استظهار ملت به قدرت پشتیبانی سازماندهی‌های درونزای اجتماعی امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، در همین نمونه می‌توان به فراست دریافت که حل تعارض منافع و کارآمدی حاکمیت بر غلبه بر منفعت‌طلبی کارکنان و وابستگان خود در سطوح مختلف، ملازم با توانمندی جامعه و مردم است. اگر عزم و اراده جدی در حکومت برای مبارزه با مسائلی نظیر فساد و تعارض منافع در راستای حفظ بقا و تداوم نظام سیاسی وجود داشته باشد، باید به شکل‌گیری سازماندهی‌های اجتماعی و قدرت‌های متوازن ساز درون جامعه تن دهد.

اما مسئله بعدی این است که چه چیز حکومت را از تن دادن به سازمان‌یابی جامعه بازمی‌دارد؟ برای مثال اجازه شکل‌گیری تشکل‌های مستقل و موثر کارگری، معلمان، دانشجویان و دیگر اصناف و اقشار اجتماعی (به ویژه فرودست) داده نمی‌شود؟ پیشینه غبارآلود و منفی از قدرت گرفتن جامعه و میل پیدا کردن تشکل‌های مذکور از قدرت اجتماعی و صنفی به سمت مطالبات سیاسی یکی از این موانع است. به عبارت دیگر، سنت‌های صنفی و حرفه‌ای جافتاده‌ای در ایران وجود ندارد که وقتی یک گروه اجتماعی موفق به ایجاد تشکلی حرفه‌ای برای خود شد، آن سنت‌ها فعالان صنفی و حرفه‌ای را به حرکت در همان مدار صنفی مقید و مشروط کرده و از افتادن آن‌ها به وادی مطالبات سیاسی که بقای سیستم را به خطر می‌اندازد، بازدارد. فقدان این نیروی بازدارنده سبب شد هر جا جامعه متشکل شد، به خطر سیاسی بالقوه برای حکومت تبدیل شود و طبعاً در این فضا و زمینه ذهنی و عینی، حکومت اجازه متشکل شدن جامعه را نمی‌دهد. این موضوعی درازدامنه است که در این مجال، جز همین اشاره کوتاه به آن مقدور نیست.

اگر به مسئله مطرح شده در ابتدای این نوشته بازگردیم مسئله از این قرار خواهد بود که صرف گنجانده شدن چیزی به نام مدیریت تعارض منافع در برنامه‌های نامزدهای انتخاباتی گرهی از مسائل ما حل نمی‌کند. حل این مسئله نیازمند درک عمیقی از موضوع و علت لاینحل ماندن آن است. اینکه تصور شود با صرف یک قانون و تعدادی مقرر و بخشنامه می‌توان تعارض منافع را درون سیستم حل کرد، ساده‌سازی مسائل پیچیده است. هر چند این اقدامات نیز گام‌های ضروری و تاحدی مفید باشند، اما چنانکه پیشتر هم توسط راقم این سطور در همین ستون تشریح شده، مسئله تعارض منافع را به جای محدود کردن به یک مسئله فنی و اداری درون سیستم، باید به عنوان مسئله‌ای در یک بستر سیاسی و اجتماعی عام‌تر و گسترده‌تر دیده و تحلیل کرد تا بتوان برای آن به راهبرد کنترلی موثری دست یافت.

نامزدهای انتخاباتی برای غلبه بر تعارض منافع در نظام حکمرانی و تمامی دیگر اشکال و نمونه‌های مسائل نظام اداری (مانند بحران نظام بانکی، بحران بازنشستگی، مالیات‌گریزی، فساد اداری و اقتصادی، عدم شفافیت و بی‌انضباطی مالی، ضعف الکترونیکی کردن فرایندها و ...) باید به ضرورت یک چرخش گفتمانی برسند؛ چرخشی که در آن سهم جامعه و سازمان‌یافتگی آن در حل مسائل و غلبه بر آن‌ها به رسمیت شناخته شود.

گزیده اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های هفته گذشته در حوزه تعارض منافع به این شرح است:

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوبه این شورا پیرامون طرح سامان‌دهی فضایی-عملکردی حوضه‌های آبریز سدهای تأمین کننده آب شرب تهران و البرز را ابلاغ کرد که در این مصوبه مشارکت حداکثری ذی نفعان و مدیریت تعارض منافع و مسئولیت‌ها در ۳ بخش دولتی، خصوصی و جامعه محلی پیش‌بینی شده است.

انتصاب خداداد افشاریان، فریدون اصفهانیان، مهرداد سراجی و شهره موسوی توسط رئیس جدید فدراسیون فوتبال به عنوان رؤسای تعدادی از کمیته‌های فدراسیون فوتبال با انتقاد جمعی از رسانه‌های ورزشی مواجه شده که معتقدند این انتصابات به دلیل اشتغال همزمان افراد مذکور در هیئت‌های فوتبالی یا باشگاه‌های خصوصی مصداق بارز تعارض منافع است.

علی سعدوندی، اقتصاددان و کارشناس بین‌المللی بانکداری، طی گفتگویی تعارض منافع را یکی از مشکلات اساسی نظام بانکداری در ایران عنوان کرده است.

چاک گراسلی سناتور جمهوریخواه آیوا روز دوشنبه خواستار اطلاعات بیشتری درباره تضاد احتمالی منافع مربوط به جان کری فرستاده ویژه دولت بایدن در امور تغییرات اقلیمی شده است. کری به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مالی و انرژی پیش از پذیرش این مسئولیت متهم است.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی - ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

مدیریت تعارض منافع در نظام مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی محیط‌زیست و آب‌خیزداری



فرزانه صادق مالوآجرد معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوبه این شورا پیرامون طرح سامان‌دهی فضایی-عملکردی حوضه‌های آبریز سدهای تأمین‌کننده آب شرب شهر تهران و همچنین حوضه آبریز سد طالقان در استان البرز را به استانداران البرز و تهران ابلاغ کرد. در بخشی از این مصوبه به لزوم مدیریت تعارض منافع محلی و ملی در تدوین نظام مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز اشاره شده است: «به منظور افزایش ضمانت اجرایی طرح (به منزله چالش اصلی در تحقق اهداف طرح و مصوبه شورای عالی امنیت ملی)، مقرر شد نظام مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز به صورت فرابخشی زیر نظر هیئت دولت با رعایت موارد زیر طراحی و مستقر شود: ۱-۱. اجتناب از ساختارسازی و ایجاد سازمان جدید و تحمیل بار مالی؛ ۱-۲. استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی موجود و رفع همپوشانی‌ها و تعارض قوانین مربوط؛ ۱-۳. مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و مدیریت تعارض منافع و مسئولیت‌ها در ۳ بخش دولتی، خصوصی و جامعه محلی.»

✉ خبرگزاری مهر

اتهام بی‌پایه تعارض منافع به انجمن‌های علمی پزشکی

سید محمد اکرمی (رئیس انجمن علمی ژنتیک پزشکی ایران) - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی سلامت و درمان



انجام غربالگری به خاطر فراوانی ازدواج‌های فامیلی در جامعه ما (حدود ۳۸٪) یکی از افتخارات کشور بوده که از سوی سازمان بهداشت جهانی هم تقدیر شده است. در ایران سالانه حدود ۴۰ هزار نفر از متولدین دارای معلولیت اند که با انجام تست‌های غربالگری ۸ هزار جنین ناقص الخلقه شناسایی و قبل از ولوج روح مطابق با قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ مجلس با رضایت مادر و تایید سه نفر متخصص ذیربط و پس از بررسی‌های دقیق کارشناسی در پزشکی قانون مجوز سقط درمانی صادر می‌شود. اولین اجازه سقط درمانی در مورد بیماری تالاسمی ماژور با فتوای حضرت امام راحل ۳۵ سال پیش صادر شد. موضوع سقط درمانی حداقل ۴ بار در استفتاء مقام معظم رهبری تصریح شده و هر ۴ مرتبه این موضوع بدون تغییر اعلام شده است. در حال حاضر مفاد مواد ۵۱، ۵۳ و ۵۶ طرح جوانی جمعیت نگرانی حداقل ۸۷ انجمن علمی پزشکی را در پی داشته است. روح این سه ماده بهداشتی درمانی است و رویکرد جمعیتی ندارد. در ماده ۵۱ در اختیار قرار دادن هر گونه اقلام پیشگیری از بارداری در مراکز دولتی ممنوع است. در انتهای ماده ۵۶ بالصراحت ذکر شده ماده واحده قانون سقط درمانی ۱۳۸۴ نسخ می‌گردد. در مورد مواد ۵۳ و ۵۶ علاوه بر وزارت بهداشت، انجمن‌های علمی پزشکی بسیاری از روی دلسوزی پیگیری و اظهار نظر کردند که متأسفانه این انجمن‌های علمی پزشکی متهم به جنگ زرگری، مافیای آزمایشگاه و مافیای اقتصادی سقط جنین شده‌اند. در اینجا لازم است از طراحان محترم طرح جوان سازی جمعیت که با جو سازیهای وسیع رسانه‌ای غربالگری و ماده واحده سقط درمانی را مورد حمله قرار داده‌اند پرسید: تعارض منافع در چیست؟ انجمن‌های علمی سلامت چه منفعتی دارند؟ دنبال چه هستند؟ این تفکرات از کجا منشا گرفته؟ وزیر بهداشت متهم به نخواندن متن نامه و غرض ورزی شده! پزشکان متهم به دروغ‌گویی شدند! جنگ زرگری و قتل یعنی چه؟

✉ تابناک

درخواست برای تحقیق درباره تضاد منافع احتمالی مربوط به جان کری

پایگاه اطلاع رسانی کنگره آمریکا - ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ نمونه‌های جهانی تعارض منافع



پایگاه اطلاع رسانی کنگره آمریکا خبر داده چاک گراسلی سناتور جمهوریخواه آیوا روز دوشنبه خواستار اطلاعات بیشتری درباره تضاد احتمالی منافع مربوط به جان کری فرستاده ویژه دولت بایدن در امور تغییرات اقلیمی شده است. بر اساس این گزارش، برخی اطلاعات نشان می‌دهد جان کری پس از آنکه سمت وزیر خارجه آمریکا را ترک کرده، در بخش‌های مالی و انرژی سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام داده و این مساله می‌تواند نشانگر تضاد منافع با سمت فعلی وی باشد. وبگاه خبری اکسیوس به متن نامه گراسلی به آنتونی بلینکن دست یافته است که نشانگر درخواست این سناتور آمریکایی برای تحقیق درباره این موضوع شده است.

📧 خبرگزاری تسنیم

عبور از هفت خوان منافع متعارض برای گرفتن یک مجوز

خبرگزاری فارس - ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه کسب و کارها و بازرگانی



در ایران صدها مرجع متنوع و موازی صدور پروانه اشتغال وجود دارد که اخذ مجوزهای کسب و کار را به شدت سخت و پیچیده کرده است که می‌توان آنرا به «هفت خوان» تشبیه کرد. به عنوان مثال، برای احداث گاوداری باید ۱۸۴ مدرک معتبر بعلاوه ۱۳۴ استعلام از مراکز صدور مجوز ارائه شود، فرایندی که حدود ۲ سال طول می‌کشد. مهمترین دلیل ایجاد این وضعیت عجیب و غیرقابل توجیه، تعارض منافع است. درآمد قابل توجه کسب و کارهایی مثل وکالت، تاسیس داروخانه، مطب، مهدکودک، صرافی، سردفتری و... باعث شده است که مراجع ذیربط صادرکننده مجوزهای این کسب و کارها، فرایند صدور مجوز برای داوطلبان ورود به این مشاغل را بیش از حد پیچیده کنند. احتمالا می‌پرسید چرا؟

پاسخ کوتاه و ساده است. متأسفانه در ایران برخلاف کشورهای با اقتصاد سالم، اختیار صدور مجوز برای خیلی از مشاغل فوق، به دست ذی‌نفعان همان حوزه‌ها سپرده شده است و آنها هم علاقه‌ای ندارند که دست‌زیاد شود چون منجر به کاهش انحصار و سود حداکثری آنها خواهد شد.

راه حل اصلاح این وضعیت، ایجاد سامانه‌ای برای صدور مجوزهای کسب و کار است تا هم امضاهای طلایی از فرآیند صدور مجوز حذف شوند و هم شرایط صدور مجوزهای کسب و کار، سهولت پیدا کرده و به صورت شفاف در معرض دید عموم مردم قرار بگیرد. زیرساخت قانونی لازم برای ایجاد این سامانه، سال ۸۷ به تصویب رسیده ولی همچنان خبری از اجرای آن نیست. دولت سیزدهم می‌تواند با اجرای این قانون و ایجاد این سامانه، گام بزرگی برای از بین بردن «هفت خوان اشتغال» بردارد.

📧 خبرگزاری فارس

صدور احکام تبصره ای همراه با تضاد منافع توسط عزیزی خادم

خبرگزاری ایلنا - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در ورزش



با ورود فدراسیون به سومین ماه فعالیت عزیزی خادم احکام جدیدی در کمیته های مختلف صادر شد. نکته مهم در انتصاب های عزیزی خادم، اینکه مهرداد سراجی مدیرعامل باشگاه سایپا در حالی به عنوان سرپرست کمیته فوتسال منصوب شده که در باشگاه متبوع خود دارای تیم فوتسال است و این موضوع تعارض منافع را به همراه دارد که تخلف محرز محسوب می شود. مشخص نیست رئیس فدراسیون فوتبال با چه رویکردی این انتصابات را انجام داده است. [خبرگزاری ایلنا](#)

چالش تعارض منافع در مدیریت شهری تهران

جمشید ستوده (کارشناس شهری) - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در شوراها و شهرداری



زمان مثل برق و باد گذشت و به سال ۱۴۰۰ رسید. تهران با وجود تمامی تلاش ها برای تکمیل زیرساخت های فیزیکی و عمرانی هنوز با الگوی های ترسیم شده در آن زمان فاصله دارد. اما چرا تهران نتوانست به آنچه در ذهن و باور مدیران وقت بود به طور کامل جامه عمل بپوشاند؟ آیا منابع در اختیار کم بود یا توانمندی مدیران بعدی پایین تر بود؟ بودجه شهرداری تهران از حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان به بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. اما قدرت این منابع به میزان آن سال نیست، چرا؟ با وجود آنکه مدیریت شهری انتخابی شد و از وضعیت انتصابی خارج شد، اما پاسخگویی و شفافیت در این حوزه نه تنها به سطح رضایت بخش نرسید، بلکه امروز شوراها و نهادهای انتخابی محلی به گرفتاری جدید در نظام اداری از جهت شفافیت و تخصیص بهینه منابع تبدیل شده اند.

همین موارد نشان می دهد نوسازی در تهران به عنوان یکی از کلانشهرهای مهم کشور باید در کنار فرم در محتوا نیز دنبال می شد. اصلاح مناسبات مدیریتی در گام اول نیازمند حل پدیده تعارض منافع است. اگر این پدیده شناخته نشود و برای آن تدبیری اتخاذ نشود در نهایت تمامی اصلاحات، شروع نشده ناکام می ماند. این تعارض منافع است که اجازه نمی دهد مناسبات اقتصادی در تهران اصلاح و الگوی درآمدی پایدار شود. این تعارض منافع است که اجازه نمی دهد روابط شهرداری به عنوان یک دولت محلی با دولت مرکزی شفاف و قاعده مند شود. برای جلب حمایت افکار عمومی و کسانی که از رفع تعارض منافع منتفع می شوند، باید مفهوم تعارض منافع و پیامدهای مخرب آن را برای مردم روشن کرد. بدون چنین درکی، احتمال پشتیبانی سیاسی و ایجاد ائتلاف و هم افزایی برای موفقیت پروژه های مدیریت تعارض منافع ناچیز خواهد بود. مقابله با تعارض منافع نیازمند حمایت گروهی از مردم است که در حال حاضر از پیامدهای منفی تعارض منافع متضرر می شوند. اگر برای این حل این مساله گامی برداشته نشود، تهران ۱۴۰۰ نیز مانند دیگر سال ها، تهران مبتنی بر درآمدهای ناشی از ساخت و ساز و تراکم فروشی است. شهرداری برای جبران هزینه های خود یا باید هوای شهر را بفروشد یا دارایی های آن را.

◀ دنیای اقتصاد

واکسن گیت، دارو گیت، تجهیزات گیت: تعارض منافع و امضاهای طلایی

پایگاه خبری پزشکی و قانون - ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی سلامت و درمان



آقای دکتر جهانپور در مورد شکل گیری «واکسن گیت» اظهار نگرانی نموده‌اند و آن را مظهر فساد در امر واکسیناسیون کرونا می‌دانند. از این میزان نگرانی ایشان بسیار باید تقدیر کرد. ولی ایشان و دیگر اذنان وزارت فخریه در مورد «دارو گیت» و «تجهیزات گیت‌ها» و امضاهای طلایی نیز این میزان نگرانی ابراز نموده‌اند؟ هیچ علامتی از نگرانی در مورد تایید مجموعه‌ای از داروهای ضد کرونای مشکوک و شبهه‌ناک که نام‌های عجیب در پس آن بود در این مسئولین دیده نشده و حتی در مواقعی رد پایشان در corona market به چشم می‌خورد. گروه پزشکان و قانون اعتقاد دارد رفتارهای دارای استانداردهای دوگانه در مسئولین سلامت عامدانه و با آگاهی کامل و ناشی از تعارض منافع مالی - سیاسی است و به همین لحاظ خود را مکلف می‌داند که با صراحت اعلام کند مدعیات مدعیان را باور ندارد و گفتن سخنانی این گونه را دارای اهداف فرافکنانه می‌داند.

🔗 پایگاه خبری پزشکان و قانون

اصلاح نظام بانکی نیازمند پتانسیل علمی و از بین بردن تعارض منافع

علی سعدوندی (اقتصاددان و کارشناس بین‌المللی بانکداری) - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در نظام پولی و بانکی



با نزدیک شدن به انتخابات مجدد «اصلاح نظام بانکی» تبدیل به شعار کلیدی برای کاندیداها شده و برخی از آنها با ابراز برنامه‌های موردی ادعای رفع چالش‌های بانکداری کشور را در دولت آینده خود دارند. درست مانند تاکید دولت یازدهم و دوازدهم روی کلیدواژه «اصلاح نظام بانکی» که درعین برداشتن گام‌های خفیف در این مسیر، موفقیت چندانی نصیب دولت نکرد. به نظر نمی‌رسد که علت تاخیر در این روند، نبود پتانسیل علمی و مبنای مساعد نظری باشد بلکه آنچه بیشتر به چشم آمده، حضور ذی‌نفعان و تعارض منافع بسیار در این بی‌بساطی شبکه بانکی است، و این مساله‌ای است که کاندیداهای انتخاباتی به‌خوبی می‌دانند اما اینکه روابط و منافع آنها در آینده اجازه اصلاح بدهد، کسی نمی‌داند.

علی سعدوندی با تاکید بر اینکه اصلاح نظام بانکی نیازمند پتانسیل علمی و از بین بردن تعارض منافع است، می‌گوید: «سیستم بانکی ایران در حال حاضر یا قلق دولت است و یا قلق موسسان بانک‌های خصوصی و وجود «ذی‌نفع واحد» تبدیل به اصلی در بانک‌های کشور شده است. بنابراین مشکل اصلی نظام بانکداری ما حصولی بودن آن است. در بدنه نظام بانکی، افراد کارآمد و شایسته قرار ندارند و به هیچ‌وجه نخبه‌سالاری در نظام بانکی ما وجود ندارد. مساله بعدی اما تعارض منفعی است که باعث می‌شود بسیاری از تصمیمات بانکی با نگاه به منافع شخصی افراد گرفته شود. اما عاملی که این دو معضل را نیز تشدید کرده، «نظارت» است که در نظام بانکی ما غایب است.»

🔗 روزنامه فرهیختگان



اشتغال همزمان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در حوزه غیردولتی

زهرا قدسی (عضو کانون اساتید حق التدریس) - ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی آموزش عمومی

یکی از مشکلاتی که مردم در نظام‌های تصمیم‌گیری از آن رنج می‌برند موضوع تعارض منافع است و این مسئله درباره تعدادی از اعضای هیئت علمی تأثیرگذار و تصمیم‌ساز در کشور به جایی رسیده است که می‌توان به آن فزون‌طلبی اطلاق کرد که مصداق‌های آن در متن زیر آمده است:

۱. در آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی با حفظ شأن و جایگاه یک عضو هیئت علمی او باید ۴۰ ساعت در مؤسسه حضور داشته باشد و به وظایف آموزشی، پژوهشی و اجرایی محوله بپردازد.

۲. در همان آیین نامه، استفاده از خدمات او به عنوان عضو هیئت علمی در سایر مؤسسات را منوط به اجازه و در برخی موارد اطلاع مؤسسه محل استخدامش می‌داند.

۳. در همان آیین نامه او می‌تواند به عنوان رییس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی از دانشگاه خود مأمور شود به شرط آنکه نیمه وقت شود و حقوق نیمه وقتی دریافت کند (معمولاً اعضای هیئت علمی که در دانشگاه‌ها مسئولیت دارند برای همکاران خود اغماض می‌کنند و این موضوع را پیگیری نمی‌کنند).

۴. عضو وابسته بودن در سایر مؤسسات آموزش عالی هم برای اعضای هیئت علمی امکانی دیگر است که با تمام وقت جغرافیایی و حتی حداقل ۴۰ ساعت حضور در تضاد است و همین عضو از سایر مؤسساتی که در آن‌ها کار می‌کند می‌تواند حقوق دریافت کند.

۵. در همین زمان و با وجود محدودیت‌های آیین نامه استخدامی برای حضور ۴۰ ساعته آنان، وزارت علوم در حمایتی بی‌دریغ از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی امکان حضور اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی را در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی فراهم می‌آورد و به این واسطه به آنان رشته و دانشجو می‌دهد (مؤسسات غیرانتفاعی هم استقبال می‌کنند که نیازی به استخدام جوانان نداشته باشند) (در تضاد با ماده ۲۱ آیین نامه استخدامی و همزمان با درخواست اعضای هیئت علمی برای استفاده از طرح تمام وقتی)، چگونه می‌تواند یک عضو هیئت علمی تمام وقت جغرافیایی همزمان به بخش غیردولتی هم خدمت بدهد و حق الزحمه مضاعف هم از مؤسسات غیرانتفاعی بگیرد.

۶. اکنون با مصوبه مجلس شورای اسلامی و همسان سازی حقوق اعضای هیئت علمی وزارت علوم با اعضای هیئت علمی وزارت بهداشت، حقوق این اساتید افزایش قابل توجهی یافته است و بسیاری از همین اساتید به دنبال بهره‌مندی از تمام وقت جغرافیایی هستند (دریافت حقوق ۵۴ ساعت فعالیت در هفته).

۷. اطمینان دارم اگر فرصت بیشتر اجازه دهد می‌توان به این فهرست باز هم افزود سؤال جدی این است؛ مگر یک عضو هیئت علمی اوقات شبانه روز خود را چند بار می‌تواند به فروش بگذارد. وقت آن فرا نرسیده است که تصمیم‌گیران که خود در هیئت علمی بوده‌اند یا پس از قبول مسئولیت به این هیئت در آمده‌اند اندکی به سیاست‌گذاری متضاد و همراه با تعارض منافع بیندیشند.



تعارض منافع در انتصاب سرپرست کمیته داوران و فوتسال

بهناز میرمطهریان (خبرنگار) - ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در ورزش



اعضای هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال به انتصاب رؤسای تعدادی از کمیته‌های فدراسیون فوتبال منجر شد، مرتکب تخلفی جدی شده‌اند. این نخستین تخلف فدراسیون عزیزی خادم به حساب می‌آید که مورد توجه رئیس کمیته اخلاق هم قرار گرفته و درباره آن به اعضای هیأت رئیسه تذکر جدی داده شده اما افراد زیر بار این تذکر نرفته و ترجیح دادند تبعات تصمیم‌گیری خود درباره انتصاب افرادی با تعارض منافع در سمت سرپرستی کمیته‌های فوتسال و داوری را بپذیرند. در حال حاضر خداداد افشاریان هنوز رئیس هیأت فوتبال استان «کهگیلویه و بویراحمد» است و سرپرستی او در کمیته داوران می‌تواند با سمت او در هیأت فوتبال تعارض داشته باشد.

این البته همان انتقادی است که در زمان حضور فریدون اصفهانیان در این کمیته مطرح بود اما فدراسیون فوتبال توجهی به آن نداشت و جالب‌تر اینکه حالا هم با استناد به همین موضوع، تخلف صورت گرفته را ادامه می‌دهد.

این اتفاق درباره سرپرستی مهرداد سراجی در کمیته فوتسال هم رخ می‌دهد. او به عنوان مدیرعامل باشگاه سایپا در لیگ فوتسال مردان و زنان تیمداری می‌کند و سرپرستی او در کمیته فوتسال به طور واضح و آشکار تخلف به حساب می‌آید. این موارد البته پیش از این درباره نایب رئیسی شهره موسوی در فدراسیون فوتبال هم عنوان می‌شد. او که مدیرعامل باشگاه بادران است، بارها در معرض این نقد قرار گرفت که حضور او در فدراسیون فوتبال با مدیریت او در باشگاه بادران تعارض منافع دارد اما ریاست فدراسیون فوتبال تا کنون توجهی به این موارد نداشته است.

این افراد در صورتی که بخواهند در سمت‌های جدید خود در فدراسیون فوتبال فعالیت کنند، چاره‌ای جز استعفا از سمت‌های خود در باشگاه‌های دیگر و هیأت‌های فوتبال ندارند. در ماده ۴ آیین‌نامه کمیته داوران درباره ترکیب اعضای کمیته داوران آمده است کمیته داوران از یک رئیس و پنج عضو تشکیل شده که این افراد نباید هیچ وابستگی به باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و یا تشکیلات دیگر فوتبال داشته باشند.

📧 روزنامه ایران (ایران ورزشی)

پاسخ به برخی سخنان آقای دکتر حناچی، شهردار میلیمتری شهر تهران

مجید سجادی پناه (عضو شورای مرکزی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی) - ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در شوراها و شهرداری



ماجرای تعارض منافع که بخش عمده‌ای از فساد خاکستری یا حتی سفید را در شهرداری تهران شکل می‌دهد مانع بزرگی بر سر راه شفافیت این کلان شهر است. چرا که دوطرف میز، باهم در منافع مشترکی شریک هستند و همین باعث می‌شود که برای تغییر ریل به سمت سلامت اداری مقاومت‌های سنگینی صورت گیرد

بیش از ۳۶ گلوگاه فساد در مجموعه مدیریت شهری تهران قابل شناسایی است که محل تولد فساد است. در بین ۱۲ روش استاندارد کشف فساد در دنیا مهمترین روش "نظارت همگانی" است. یعنی ۷۳ درصد از افرادی که عامل کشف و انهدام فساد بوده‌اند، کارمندان یا ارباب‌رجوع‌های آن سازمان‌ها بوده‌اند. بطوری که گزارش‌های مردمی در امریکا به تنهایی منجر به بازپس‌گیری رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار فساد توسط دولت این کشور شده است.

📧 سایت خبری - تحلیلی بولتن نیوز

انتقاد از انحراف اعتبارات بنیاد علوی، تحت سایه تعارض منافع

سید غفار فتحی - ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در بنیادها و نهادها



دبیر محترم نهاد آبادانی و پیشرفت شهرستان لنده جناب مهندس مرادی سلام علیکم: چند روزی است که افکار عمومی لنده به شدت جریحه دار خبری است که من آن را تعارض منافع سیاسی شما برای آینده و ورود به درهای چرخان شورای شهر دهدشت در سوء استفاده از اعتبار و اعتبارات نهاد انقلابی بنیاد علوی قلمداد می‌کنم پدیده ای که سوء استفاده از بیت المال را به سمت و سوی منافع شخصی می‌برد غده بدخیمی است که باید کنار گذاشته شود. شما به بهانه بستری بیماران لنده ای و دیشموکی مبلغ یک میلیارد تومان را به سمت بیمارستان دهدشت برای خرید تجهیزات هدایت می‌کنید. من و مردم لنده مخالف با تخصیص اعتبارات از جانب بنیاد علوی به هیچ نقطه ای از استان ک.ب نیستیم اما آیا دادن این حجم از اعتبار به بیمارستان مذکور همجوار در حالی که خود شهرستان لنده شدیداً محتاج به ارتقای شاخص های زیرساختی و تجهیزاتی در حوزه بهداشت و درمان و توجه به سلامت مردم در بحبوحه سیر صعودی کرونا است انحراف اعتباراتی و ظلم در روز روشن نیست؟ قبرستان هایمان پر از جسد و سنگ یادبود شده خواهشاً از اعتبار و اعتبارات نهاد انقلابی بنیاد علوی در جهت منافع سیاسی خود برای رسیدن به کرسی شورای شهر دهدشت سوء استفاده نکنید.

✉ ندای کهگیلویه و بویراحمد

عدول از بخشنامه تعارض منافع وزیر نیرو در توانیر هر مزگان



پایگاه خبری فارس من - ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه انرژی

علی رغم سیاست‌های ابلاغی ازسوی وزیر محترم نیرو مبنی بر شایسته‌گزینی و مدیریت تعارض منافع، به نوعی شرکت توانیر نیروی‌هایی که سال‌ها هزینه کرده تا به این شایستگی برسند، قربانی قلیل افراد تمامیت خواه موجود در آن شرکت می‌نماید. در فراخوان مجدد توانیر برای انتصاب مدیر عامل برق منطقه ایی هر مزگان، در شرایط احراز آن پست دست به تغییراتی می‌زند در بند ب فراخوان تشدید شرایط احراز این موضوع شائبه‌هایی از جمله حمایت زیرکانه مادر تخصصی توانیر در انتصاب فردی خاص، به سبب تسهیل نمودن شرایط احراز پست مدیر عاملی در اذهان متبادر می‌سازد. به موجب مقررات فصل هشتم قانون مدیریت خدمات کشوری، اصول حاکم بر انتصاب و ارتقاء شغلی کارکنان تعیین شده و بر «استقرار نظام شایستگی» تأکید شده است. شورای عالی اداری که به موجب ماده ۵۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مرجع تصویب دستورالعمل اجرایی فصل هشتم و شرایط تخصصی و عمومی پست‌های مدیریت حرفه‌ای و نحوه ارتقاء مسیر شغلی است، اختیار ندارد خارج از چارچوب اصول شایستگی و فضای رقابتی، اقدام به وضع مقرراتی کند که طی آن برای بخشی از کارکنان دولت، فراتر از مقررات قانون امتیاز خاص در نظر گیرد و در مقابل برای انتصاب برخی از کارکنان شاغل دولت به جهات مذکور و علی‌رغم وجود شایستگی و داشتن شرایط قانونی برای انتصاب در سمت‌های مدیریتی ممنوعیت و محدودیت ایجاد کند. متأسفانه در این مورد تعارض منافع چه سهوی و چه عمدی صورت گرفته است.

* نوشته مذکور به صورت ناشناس در بخش کارزار خبرگزاری فارس منتشر شده است.

✉ فارس من

تحلیل فضای مجازی: وضعیت مبهم لایحه تعارض منافع مجلس همچنان از اعلام وصول لایحه مدیریت تعارض منافع سر باز می‌زند

محمد عادل

در هفته گذشته و طی روزهای پنج‌شنبه نهم تا چهارشنبه پانزدهم اردیبهشت‌ماه، ۶۳ توییت در تویتر، ۵۱ مطلب در تلگرام و ۲ پست اینستاگرامی منتشر شده که به مسئله تعارض و تضاد منافع پرداخته بودند. با توجه به تفاوت‌های موجود بین مطالب مندرج در تویتر و تلگرام که در هفته پیش نیز به آن اشاره شده بود، در تلگرام بیش‌ترین توجهات معطوف به سخنان اسحاق جهانگیری، معاون اول ریاست‌جمهوری، بوده است که طی آن با دفاع از عملکرد دولت و انتقاد به مجلس، یکی از کارشکنی‌های مجلس را عدم مشخص کردن وضعیت لایحه تعارض منافع عنوان کرده است. در فضای تویتر نیز مانند هفته‌های گذشته، توجه بیش‌تر کاربران به عملکرد مواردی از جمله تعارض منافع در آموزش و پرورش و به‌صورت پراکنده‌تر وضعیت وزارت بهداشت و بورس معطوف بوده است.

لایحه مدیریت تعارض منافع؛ همچنان در پیچ‌وخم مجلس

اواخر سال ۱۳۹۶ پیش‌نویس [لایحه مدیریت تعارض منافع](#) توسط معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری برای اظهارنظر کارشناسان در سامانه مربوطه دولت منتشر شد. به موازات اقدام دولت، طرحی با موضوع مشابه توسط نمایندگان مجلس در اسفندماه ۱۳۹۷ اعلام وصول شد. چندی بعد، دولت پس از جمع‌بندی و اعلام نظرات دریافت‌شده در جریان نظرخواهی عمومی، [لایحه مدیریت تعارض منافع](#) را در آبان ماه ۱۳۹۸ در هیئت دولت به تصویب رسانده و به مجلس ارسال کرد که این لایحه تا پایان دوره کاری مجلس دهم اعلام وصول نشد و طرح مذکور نیز به تصویب نرسید.

پس از آغاز به کار مجلس یازدهم طرح قبلی بدون هیچ‌گونه تغییری در قالب ۳ فصل و ۲۷ ماده، در تیرماه ۱۳۹۹ اعلام وصول شد و در دستور کار مجلس قرار گرفت. این در حالی است که لایحه دولت با موضوع مدیریت تعارض منافع تاکنون توسط مجلس اعلام وصول نشده است. در مجموع وضعیت مبهم لایحه مدیریت تعارض منافع، به‌عنوان گامی علیه فساد، موضوعی بوده است که در هفته گذشته باعث انتقادات اسحاق جهانگیری، معاون اول ریاست‌جمهوری، به مجلس شد که بازخورد بسیاری در کانال‌های تلگرامی داشت.

اسحاق جهانگیری در کلاب‌هاوس با انتقاد از مسکوت ماندن لایحه مدیریت تعارض منافع در مجلس اشاره کرد که «مجلس فعلی مجلس طرح‌هاست، در حالی که ۱۰۰ لایحه دولت دارد خاک می‌خورد، هر دستگاهی که خودش را فراتر از قانون اساسی می‌داند، در کار اداره کشور اخلاص می‌کند. لایحه شفافیت و تعارض منافع و هشت لایحه دیگر دولت، علی‌رغم گذشت زمان بسیار، حتی در مجلس اعلام وصول نشده و این حتماً خلاف قانون اساسی است، البته مجلس حق دارد رد کند، ولی حق ندارد آن را اعلام وصول نکند».

هرچند در فضای توئیتر کمتر به اظهارات جهانگیری در مورد وضعیت این لایحه توجه شد اما کاربرانی نیز بودند که این عدم اعلام وصول را ناشی از تقابل دولت و مجلس و نه موازین قانونی دانسته و در نتیجه خواهان پاسخگویی مجلس شدند. کاربرانی به نام Majid Hassani و hooman در توئیتهای خود می گویند:

«لایحه شفافیت و لایحه تعارض منافع سال هاست از سوی دولت به مجلس ارائه شده. مجلس برخلاف روال قانونی آن را اعلام وصول نمی کند. نمایندگان مجلس دلیلش را توضیح دهند.»

«جهانگیری: بیش از ۱۰۰ لایحه من جمله لایحه شفافیت و تعارض منافع ماه هاست در مجلس مانده و حتی برخی را اعلام وصول نکرده است!! #مجلس_انقلابی_درتقابل_دولت.»

همان طور که مشخص است هم از سوی دولتمردان و هم از سوی برخی کاربران این شائبه وجود دارد که عدم اهتمام مجلس در پیگیری لایحه مدیریت تعارض منافع و مسکوت گذاشتن وضعیت آن، نه ناشی از ایرادات قانونی وارد بر آن یا کاستی‌هایش که ناشی از درگیری‌های سیاسی است. این در حالی است که تا به حال گزارش‌های گوناگونی از آسیب‌های ناشی از تعارض منافع در کشور و عدم رسیدگی به آن از سوی نهادهای مختلفی از جمله مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه منتشر شده است.

باید اذعان کرد که وجود تعارض منافع در همه‌ی کشورها امری عادی است که سازوکارهای نظام حکمرانی ممکن است به صورت‌های گوناگون با آن روبرو شوند؛ اما آنچه مهم است نحوه مدیریت و برخورد با آن است که می‌تواند راه را برای سوءاستفاده افراد مسدود کند. از این رو با مقایسه نحوه مدیریت تعارض منافع در کشورهای دیگر و وضعیت مبهم لایحه تعارض منافع در ایران می‌توان به درک بهتری از لزوم مدیریت تعارض منافع در کشور رسید.

در هفته گذشته دو خبر از مدیریت تعارض منافع در کشورهای انگلستان و آمریکا بازتاب خبری یافت. در انگلستان مسئله [درخواست پول برای پرداخت دستمزد پرستار فرزند بوریس جانسون](#)، نخست‌وزیر انگلستان و همچنین هزینه تعمیرات منزل وی خبرساز شد. در پی این خبر، نخست‌وزیر بریتانیا هرگونه شائبه تخلف مالی را تکذیب کرد در حالی که به حزب محافظه‌کار بریتانیا تنها یک هفته مهلت داده شد تا متن کلیه مکاتبات پیرامون نوسازی و دکوراسیون آپارتمان محل اقامت نخست‌وزیر را تحویل دهند. دفتر نخست‌وزیری بریتانیا منکر این ادعا نیست که آقای جانسون برای نوسازی آپارتمان محل اقامتش یک وام شخصی دریافت کرده است؛ اما برای اجتناب از اتهام تضاد منافع، دریافت چنان وامی باید به اطلاع مقامات حزب می‌رسید. در حال حاضر تحقیقات جداگانه‌ای در مورد منبع پرداخت هزینه‌های تغییر دکوراسیون آپارتمان آقای جانسون، تحت نظارت سایمون کیس رئیس اداره خدمات دولتی، لرد گایت، مشاور مستقل منافع مدیران کل وزارتخانه‌ها و کمیسیون گزینش نخست‌وزیر، در جریان است.

در آمریکا نیز چنین وضعیتی برای [جان کری](#)، وزیر امور خارجه سابق، پیش آمده است که وی متهم شده است که با فروش سهام خود در کمپانی‌های انرژی میلیون‌ها دلار ثروت کسب کرده است. از این رو این شائبه به وجود آمده است که دارایی‌های وی ممکن است باعث تضاد منافع شده و تعهدات اخلاقی وی به شرکت‌ها، مانع از تصمیم‌گیری در

خصوص سیاست‌گذاری‌های خاص شده باشد. لذا یکی از سناتورهای جمهوری خواه از وزیر امور خارجه فعلی خواسته است تا درباره تضاد احتمالی منافع مربوط به جان کری تحقیق کند.

عملی نشدن مدیریت تعارض منافع در آموزش و پرورش

همچنان که در هفته‌های گذشته مشاهده شده است وضعیت تعارض منافع در آموزش و پرورش در کنار موضوعاتی مانند واکسن کرونا و بورس، از موضوعاتی است که در فضای مجازی همواره بیش‌ترین توجهات را به خود جلب کرده است. در این هفته نیز کاربرانی با ذکر مثال‌هایی به این حوزه پرداخته و وحید میرشکار از اعضای کانون صنفی معلمان تهران نیز وضعیت اجرایی بخشنامه مدیریت تعارض منافع را در این وزارتخانه به چالش کشیده است.

در نمونه‌ای از اشاره به تعارض منافع در آموزش و پرورش، کاربری به نام عباس مهدوی در توییتر می‌نویسد:

🐦 «کوی کوثر اراک یکی از جدیدترین مناطق مسکونی با تعداد خانوار قابل توجه است که تنها دو مدرسه دارد؛ یک دبستان فعال و یک دبیرستان در حال ساخت، ولی هر دو مدرسه غیردولتی هستند و هدف اصلی مدرسه ابتدایی این است که بچه‌ها برای قبولی سمپاد خوب تست بزنند! جالب نیست؟»


که در پاسخ وی، عادل برکم این موارد را ناشی از تعارض منافع دانسته و می‌گوید:

🐦 «و وجود همین مدارس غیردولتی باعث میشه تأسیس مدارس دولتی به دلایل مختلف (تعارض منافع، جمعیت کم متقاضی و...) به‌سختی ممکن باشه. هم به یک نهاد دیده‌بان حق آموزش و عدالت آموزشی نیاز داریم، هم شهرداری‌ها باید نسبت به این موضوع موظف شوند. (بر اساس سهم ۴ درصدی آموزش از عوارض)».

[کانال تلگرامی مرجع پیک پیام‌رسان بازنشستگان](#) نیز بروز چنین موقعیت‌هایی از تعارض منافع را خلاف عدالت اجتماعی دانسته و اظهار می‌کند که «این گروه [برخی مسئولان وزارت آموزش و پرورش] اغلب مالک مدارس طبقاتی و اسیر تعارض منافع بوده و با تسخیر صندلی ادارات با تحقیر معلم دنبال اهداف اقتصادی خود بوده و این تصمیمات مضحک با مصالح ملی تربیت و آموزش که عدالت اجتماعی و عزت و حرمت معلم است منافات دارد».

همان‌طور که گفته شد لایحه مدیریت تعارض منافع در مجلس همچنان مسکوت مانده اما بخشنامه مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش بنا به پیگیری وزیر وقت، به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد که نحوه اجرای آن انتقاداتی را از سوی جامعه معلمان در پی داشته است. در بخشنامه مربوط به این وزارتخانه، فعالیت‌های هم‌زمان مانند راه‌اندازی و اداره مدرسه غیردولتی، عضویت در شورای سیاست‌گذاری و شورای نظارت استان‌ها، قرارداد همکاری با مهندسی مشاور، انعقاد قرارداد اجرای طرح‌های پژوهشی و... ممنوع تلقی شده و مضمولان این بخشنامه باید حداکثر ظرف مدت دو ماه (از زمان اجرای بخشنامه) تکلیف خود را مشخص کنند و از بین توقف این‌گونه فعالیت‌ها یا استعفا از تصدی پست اجرایی و انصراف از عضویت در شوراهای مذکور فقط یکی را انتخاب کنند.

در همین راستا و اشاره به ناکارآمدی در اجرای مدیریت تعارض منافع در وزارت آموزش و پرورش، به مناسبت روز معلم در هفته گذشته، وحید میرشکار سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران نیز در مصاحبه‌ای با [کانال تلگرامی این نهاد](#)، با اشاره به وضعیت نابسامان آموزش و پرورش در عرصه‌های مختلف اعم از نحوه و شرایط استخدامی معلمان، وضعیت بازنشستگی معلمان و حقوق و دستمزد آن‌ها، می‌گوید که بسیاری از این مشکلات ناشی از عدم تمکین قانون از سوی وزارتخانه مذکور است که یکی از آن‌ها بحث مدیریت تعارض منافع است. وی بیان می‌کند که اگر وزیر آموزش و پرورش به‌واقع به دنبال حل مشکلات است بهتر است سازوکار مدیریت تعارض منافع را با اولویت بیشتری در ساختار خود وزارتخانه پیگیر نماید:

 «مسئولان به‌جای اینکه بر حل مشکل تمرکز داشته باشند با ابداع طرح‌های سلیقه‌ای و مقطعی و واژه‌سازی‌هایی چون همسان‌سازی آن‌ها (معلمان) را وادار می‌کنند تا برای به دست آوردن حقوقشان اعتراض‌ها را ادامه دهند. حل این مشکلات آسان است. وزارت باید به قوانین احترام بگذارد و صرفاً جهت تأمین منافع مادی خود، حقوق همکاران را تضییع نکند. اگر وزیر آموزش و پرورش تلاش دارد با لایحه/بخشنامه/تضاد منافع به فسادهای رانتهی و منفعت‌طلبانه‌ی درون سیستم آموزشی کشور پایان دهد، بهتر است ابتدا لایحه/بخشنامه/را برای قانون‌شکنی‌ها و منفعت‌طلبی‌های سیستماتیک وزارت آموزش و پرورش بکار برد».

با توجه به اظهارات مقامات، آنچه به نظر می‌رسد این است که در سطح کلان سیاست‌گذاری کشور، برخی سیاست‌ها قربانی کشمکش‌های بین گروه‌های سیاسی شده است که همان‌طور که اشاره شد لایحه مدیریت تعارض منافع یکی از آن‌هاست. از سوی دیگر در حوزه‌ای مانند آموزش و پرورش که بخشنامه متناظر به مرحله اجرا رسیده است با گذشت چندین ماه همچنان می‌توان کاستی‌ها و عدم تلاش برای اصلاح رویه‌های آن را مشاهده کرد که نشان از آن دارد که گویا نه در مرحله تدوین و نه اجرای مدیریت تعارض منافع، به‌واقع هیچ رویکرد یکپارچه و منسجمی در بخش‌های مختلف وجود ندارد و همچنان اهمیت این موضوع چندان که باید برای برخی از سیاست‌گذاران روشن نشده است.



خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۳

شماره چهل و سوم - ۱۱ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

دبیر خبرنامه: سمانه سهرابی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

شماره واتساپ خبرنامه: ۰۹۰۲۰۴۳۲۹۹۵

